

The Role of University and Mosque-based Law Clinics in Promoting Human Rights Education in Muslim Societies

Mostafa Fazaeli¹

Fatematossadat Hagh Shenasi²

Received: 07/03/2017; Accepted: 19/09/2017

Abstract

Human rights education, as a significant factor for improving the development of human rights culture in the world, has been the main concern for human rights actors and international institutions in recent decades. Many activities have been performed in this respect, one of the most important of which is the Declaration on Human Rights Education and Training, adopted by the UN General Assembly (137/66 res. 19 Des. 2011). Nevertheless, human rights education has not been able to be promoted and achieve its objectives desirably up to now. It seems that the absence of a proper educational method is one of the most important factors for this failure. Additionally, education of human rights in Muslim societies grapples with the added challenge of contradiction of religion- human rights discourse. Accordingly, the present article, besides elaborating on the university legal clinics, aims to explain the advantages of the clinical legal education of human rights and take steps toward the preclusion of the difficulties of academic law clinics through presenting this method of education in mosque-based law clinics. Furthermore, it attempts to demonstrate that how mosque-based legal clinics can, in conformity with the existing international instruments, provide inexpensive, local, common, interactive and stable means for human rights education in Muslim communities, and reduce the contradiction in religion-human rights discourse simultaneously.

Keywords: Human Rights, University Law Clinics, Human Rights Education, Mosque-based Law Clinics.



¹ Associate Professor, Department of International Law, Faculty of Law, University of Qom (Corresponding Author); Email: fazaeli2007@gmail.com

² MA in International Law, Faculty of Law, University of Qom.

نقش کلینیک‌های حقوقی دانشگاهی و مسجد محور در ارتقای آموزش حقوق بشر در جوامع مسلمان

مصطفی فضائلی^۱

فاطمه السادات حق شناس^۲

تاریخ دریافت ۹۵/۱۲/۱۷ - تاریخ پذیرش ۹۶/۰۶/۲۸

چکیده

در دهه‌های اخیر آموزش حقوق بشر به عنوان عامل مهم توسعه فرهنگ حقوق بشر در جهان، همواره دغدغه اصلی فعالان حقوق بشری و نهادهای بین المللی بوده است. در این زمینه، تلاش‌های زیادی صورت گرفته و از جمله مهم‌ترین آن‌ها اعلامیه سازمان ملل متحد در رابطه با آموزش و کارآموزی حقوق بشر است که طی قطعنامه ۶۶/۱۳۷ مورخ ۱۹ دسامبر ۲۰۱۱ مجمع عمومی سازمان ملل متحد به تصویب رسید. با این حال، آموزش حقوق بشر هنوز نتوانسته به طور مطلوب ارتقا یافته و به اهدافش دست‌یابد که به نظر می‌رسد فقدان شیوه آموزشی مناسب از مهمترین دلایل این ناکامی باشد. علاوه بر این، آموزش حقوق بشر در جوامع مسلمان با چالش مضاعف تقابل گفتمان دین و حقوق بشر دست به گریبان است. از این رو نوشتار حاضر سعی دارد ضمن تبیین کلینیک‌های حقوقی دانشگاهی، مزایای شیوه آموزش کلینیکی حقوق بشر را توضیح داده و با ارایه این شیوه آموزشی در بستر کلینیک‌های حقوقی مسجد محور، در جهت رفع معضلات کلینیک‌های حقوقی دانشگاهی گام بر دارد و نشان دهد چگونه کلینیک‌های حقوقی مسجد محور می‌توانند از یک سو مطابق اسناد بین المللی موجود شیوه آموزشی کم هزینه، بومی، مشارکتی، تعاملی و پایدار برای آموزش حقوق بشر در جوامع مسلمان ارایه کنند و از سوی دیگر از تقابل گفتمان دین و حقوق بشر بکاهند.

واژگان کلیدی: حقوق بشر، کلینیک‌های حقوقی دانشگاهی، آموزش حقوق بشر، کلینیک-های حقوقی مسجد محور.



^۱ دانشیار گروه حقوق بین الملل، دانشکده حقوق، دانشگاه قم (نویسنده مسئول): رایانامه: fazaeli2007@gmail.com

^۲ دانش‌آموخته کارشناسی ارشد حقوق بین الملل، دانشکده حقوق، دانشگاه قم.



مقدمه

انسان نیازمند است حقوق مرتبط با زندگی فردی و اجتماعی اش را آموزش ببیند (Benedek, 2006: 21). از این رو آموزش حقوق بشر به عنوان یک حق و نخستین گام در گسترش فرهنگ جهانی حقوق بشر و دسترسی بیشتر به صلح و عدالت همواره مورد توجه اندیشمندان و فعالان حقوق بشر بوده است. با روند کاسته شدن فربهی حاکمیت‌ها و ارتقای جایگاه فرد انسانی در حقوق بین الملل که خود رهین گسترش سازمان‌های بین المللی است، دولت‌ها نیز در پی ارتقای حقوق بشر بر ضرورت آموزش حقوق بشر تاکید داشته اند، تا آن‌جا که در کنفرانس جهانی حقوق بشر در وین (۱۹۹۳) به تفصیل به آنچه پیش از این به اجمال در اسناد مختلف از جمله اعلامیه جهانی حقوق بشر (ماده ۲۶)، میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (ماده ۱۳)، پیمان‌نامه حقوق کودک (ماده ۲۹)، پیمان‌نامه منع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان (ماده ۱۰) و پیمان‌نامه رفع کلیه اشکال تبعیض نژادی (ماده ۷) مطرح شده بود، پرداختند. این کنفرانس زمینه‌ساز تأسیس کمیساریای عالی حقوق بشر سازمان ملل متحد مطابق قطعنامه ۴۸/۱۲۱ مجمع عمومی شد و بر اساس پیشنهاد مطرح در اعلامیه این کنفرانس (بخش ۱ پاراگراف‌های ۳۳ و ۳۴)، مجمع عمومی سازمان ملل طی قطعنامه ۴۹/۱۸۴، از اول دسامبر ۱۹۹۵ تا پایان سال ۲۰۰۴ را به عنوان «دهه آموزش حقوق بشر» اعلام کرد. اهمیت آموزش حقوق بشر در کشورها به اندازه‌ای بود که مجمع در سال ۲۰۱۰ پیش نویس اعلامیه سازمان ملل متحد در رابطه با آموزش و کارآموزی حقوق بشر را تهیه نمود و شورای حقوق بشر در قطعنامه ۱۶/۱ مورخ ۲۳ مارس ۲۰۱۱ آن را تصویب کرد و این مصوبه ضمیمه قطعنامه ۶۶/۱۳۷ مورخ ۱۹ دسامبر ۲۰۱۱ مجمع عمومی سازمان ملل متحد شد. با این همه و به رغم تلاش‌های انجام شده باید اذعان داشت که آموزش حقوق بشر در جهان فراگیر نشده و با مشکلاتی مواجه بوده که یکی از مهم‌ترین آن‌ها فقدان متد و روش آموزشی متناسب، موثر و کم هزینه است. یکی از شیوه‌های موثر آموزش حقوق در حدود یکصد سال اخیر روش





آموزش کلینیکی حقوق است که به عنوان شیوه ای کم هزینه، مشارکتی و انعطاف پذیر شناخته شده است. این روش پرثمر آموزشی با مشارکت اساتید، وکلا و دانشجویان در نهادهایی وابسته به دانشگاه‌ها که کلینیک‌های حقوقی دانشکده‌های حقوق‌انماگذاری شده- اند به اجرا در می‌آید. کلینیک‌های حقوقی دانشگاهی نهادهایی خیرخواهانه هستند که با استفاده از دانش، تجربه و تعهد اساتید، وکلا و دانشجویان حقوق سعی دارند از یک سو دانش و مهارت‌های حقوقی دانشجویان را ارتقا داده، دانش اساتید حقوق را کارآمد کرده و دانش حقوقی وکلا را به یافته‌های نوین دانشگاهی نزدیک نمایند و از سوی دیگر با آموزش حقوق به عموم مردم و ارائه مشاوره و خدمات حقوقی رایگان به محرومین و آسیب دیدگان اجتماعی، عدالت را در جامعه بگسترانند. از ابتدای هزاره سوم موج سوم کلینیک- های حقوقی دانشگاهی به تدریج عهده‌دار توسعه عدالت اجتماعی و ارتقای حقوق بشر در جوامع شدند و لیکن در این راه از موانعی از جمله محدودیت بودجه و سختی دسترسی محرومین به آن‌ها رنج می‌برند. به علاوه، جوامع مسلمان از جمله جامعه ایرانی با چالش مضاعف تقابل گفتمان دین و حقوق بشر و در نتیجه مقبولیت کم‌تر حقوق بشر در کل مواجه هستند. حال پرسش مطرح این است که چگونه می‌توان آموزش کلینیکی حقوق بشر را در جوامع مسلمان به ویژه جامعه ایرانی گسترش داد و از عهده چالش‌های پیش گفته نیز برآمد؟ نوشتار حاضر ضمن تبیین این که می‌توان با توجه به بنیان‌ها، اهداف و اسناد آموزش حقوق بشر و همچنین مزایا و اهداف کلینیک‌های حقوقی دانشگاهی، آموزش کلینیکی حقوق بشر را به عنوان متد موثر، پرثمر و کم هزینه‌ای برای گسترش فرهنگ حقوق بشر و توسعه عدالت اجتماعی در جهان به ویژه در جوامع توسعه نیافته و در حال توسعه در نظر گرفت، نشان می‌دهد که چگونه کلینیک‌های حقوقی مسجد محور می‌توانند در جهت پویایی بیشتر شیوه آموزش کلینیکی حقوق بشر و همچنین رفع موانع این شیوه در جوامع مسلمان و در نتیجه ارتقای آموزش حقوق بشر در این جوامع عمل نمایند. از این رو ابتدا آموزش حقوق بشر و اهداف آن بر اساس اسناد بین‌المللی تعریف و تبیین می‌شود و آن‌گاه



¹ Clinical legal education

² Legal clinics of law schools



- توانمند ساختن تمامی افراد برای مشارکت موثر در جامعه ای آزاد و مردم سالار که تحت حاکمیت قانون اداره می شود

- برقراری و حفظ صلح

- اشاعه توسعه پایدار مردم محور و عدالت اجتماعی (OHCHR & UNESCO, 2006: 2)
همچنین بر اساس بند ۲ ماده (۲) اعلامیه سازمان ملل متحد در رابطه با آموزش و کارآموزی حقوق بشر، این آموزش سه مورد را شامل می شود. نخست، آموزش درباره حقوق بشر که تأمین دانش و فهم هنجارهای حقوق بشری و مکانیزم حمایت از آن‌ها را در بر می گیرد. دوم، آموزش از طریق حقوق بشر^۲ به معنای آموزش حقوق بشر به شیوه‌ای که حقوق آموزش دهنده و فراگیرنده را تأمین کند و سوم، آموزش برای حقوق بشر^۳ که به معنای توانمندسازی اشخاص جهت تمتع و استیفای حقوق خویش و همچنین حفظ حقوق دیگران است.

دفتر کمیساریای عالی حقوق بشر پیشنهاد می کند برای آموزش موثر حقوق بشر از شیوه‌های مشارکتی، تعاملی، منعطف، مرتبط و متنوع استفاده شود (OHCHR, 2000: 2).
با مطالعه روش آموزش کلینیکی حقوق که در کلینیک‌های حقوقی دانشکده‌های حقوق به اجرا در می آید، روشن می گردد که کاربرد این شیوه آموزشی در جهت ارتقای آموزش حقوق بشر می تواند به خوبی اهداف و خواست‌های پیش گفته و مندرج در اسناد بین المللی را فراهم و به ارتقای فرهنگ حقوق بشر در جوامع و بومی کردن آن کمک نماید.

۲. کلینیک های حقوقی دانشگاهی و آموزش حقوق بشر

تاریخچه تأسیس کلینیک های حقوقی در دانشکده های حقوق به ابتدای قرن بیستم و مدت کوتاهی پس از آغاز به کارگیری «روش قضیه محور»^۱ در سیستم آموزشی حقوق در ایالات متحد آمریکا بر می گردد. این متد آموزشی که می توان آن را سر آغاز توجه دانشگاه



¹ Education about human rights

² Education through human rights

³ Education for human rights

⁴ The case / casebook method of teaching law



ها به جنبه فنی و کاربردی حقوق دانست، روش منطقی استنتاج از منابع و پرونده های حقوقی است که مطابق آن دانشجویان حقوق به جای فراگیری دیدگاه های انتزاعی صرف پیرامون قوانین و مقررات، بر آرای قضایی صادره از دادگاه ها تمرکز کرده و با تجزیه و تحلیل آن ها اصول حقوقی را می آموزند. این روش آموزشی توسط پروفیسور « کریستوفر کلیمبوس لانگدل»^۱ در دانشکده حقوق دانشگاه هاروارد در اواخر قرن ۱۹ پایه ریزی شد. وی که نخستین کتاب حقوقی مبتنی بر این روش را با عنوان گزیده قضایا پیرامون حقوق قراردادها^۲ در سال ۱۸۷۱ منتشر کرد، معتقد بود: « تسلط بر این ها (آراء و اصول مستنبط) به حدی که قدرت بر اعمال آن ها با تردستی و (همچنین) اعتقاد به روابط همچون کلاف به هم پیچیده انسانی باشد، سنگ بنای یک وکیل واقعی است» (Garvin, 2003: 58)

از آن پس و در اواسط قرن بیستم توجه به جنبه های کاربردی علم حقوق رو به فزونی نهاد تا آن جا که در کنار دانشکده های حقوق مکان هایی تحت عنوان «کلینیک های حقوقی» در نظر گرفته شد که دانشجویان در آن جا از نزدیک با پرونده های حقوقی واقعی مراجعه کنندگان آشنا شده و در روند مشاوره حقوقی و مراحل اولیه دادرسی تا مرحله صدور حکم قرار گیرند. در واقع آن ها دیگر محدود به خواندن و تجزیه و تحلیل آرای قضایی نبودند بلکه با مراحل پیش از صدور رأی نیز آشنا می شدند و به این ترتیب علاوه بر آشنایی با آرا و اصول مستنبط از آن ها و روش به کارگیری آن ها در پرونده های مختلف با بخش دیگری از فن حقوق یعنی فن مشاوره، چگونگی تنظیم لوایح و دادخواست ها و مراحل دادرسی و غیره نیز آشنا می شدند (Garner, 1990: 254).

به تدریج و در اواخر قرن بیستم کلینیک های حقوقی از یک نهاد ایستا در دانشکده های حقوق به سمت نهاد حقوقی پویا در جامعه و در جهت گسترش عدالت اجتماعی و برآوردن نیازهای حقوقی برآورده نشده حرکت کردند (Barnhizer, 1990: 35, 87, Quigley,) (Evans in Brayne, Duncan and Grimes, 1998: 270, Barry, Dubin and Joy, 2000-2001: 7, 2) تا آن جا که در ابتدای هزاره سوم کلینیک های حقوقی را می توان در زمره نهادهای توسعه حقوق بشر در جوامع به ویژه جوامع کم تر توسعه یافته و در حال توسعه دانست. از این رو می توان گفت کلینیک های حقوقی دانشگاهی در روند تکاملی خود تا به امروز سه موج داشته اند. نخست، آموزش کاربردی و قضیه محور حقوق به



¹ Christopher Columbus Langdell

² Selection of Cases on the Law of Contracts



دانشجویان. دوم، ارایه خدمات حقوقی به جامعه و ایجاد حس مسئولیت پذیری در دانشجویان. سوم، کمک به گسترش عدالت در جامعه و برآوردن نیازهای حقوقی برآورده نشده (Barry, Dubin & Joy, 2000-2001: 7, 2).

آموزش کلینیکی حقوق دوره‌ای مطالعاتی مرکب از تجربیات کلاسی همراه با ارایه مشاوره دانشجویان حقوق به مراجعه کنندگان واقعی تحت نظارت یک عضو هیأت علمی دانشکده حقوق است که سابقه و تجربه گسترده در ارایه خدمات و مشاوره حقوقی دارد (Andreopoulos & Claude, 1997: 261 & See Steenhuisen, 2006, 265). این متد آموزشی دارای ابعاد عدالت اجتماعی می‌باشد (Maisel, 2007: 2, 378) و به گونه‌ای است که بر اساس اهداف، انتظارات، تنوع مراجعه کنندگان و فرهنگ‌های ملی و مذهبی جوامع می‌تواند منعطف باشد.

به واقع در کلینیک‌های حقوقی دانشگاهی و در پرتوی آموزش کلینیکی، دانشجویان، وکلا و اساتید حقوق از تعامل با هم بهره برده و در عین حال حقوق را در بین مردم و سطوح مختلف جامعه گسترش می‌دهند.



چگونگی تعامل در کلینیک‌های حقوقی دانشگاهی
(تصویر - ۱)

این شیوه آموزشی انعطاف پذیر، مشارکتی، تعاملی، پایدار و کم هزینه می‌باشد و می‌تواند در جهت بومی سازی آموزه‌های حقوق بشری نقش بسزایی ایفا کند. جهت روشن شدن





زویای و مزایای این شیوه آموزشی حقوق بشر، آن را در سه سطح مردم و دانشجویان حقوق، اساتید حقوق و وکلا و گروه‌های حرفه‌ای بررسی می‌کنیم.

۲-۱. آموزش مردم و دانشجویان حقوق

دانشجویان نقش اصلی را در کلینیک‌های حقوقی و آموزش کلینیکی حقوق بشر بازی می‌کنند چه آن که آن‌ها به عنوان دانشجوی، حقوق و مهارت‌های حقوقی را فرا می‌گیرند و همزمان به عنوان آموزش دهنده سعی در آموزش آن چه فراگرفته‌اند به اقشار مختلف جامعه دارند. دانشجویان در شیوه آموزش کلینیکی حقوق بشر با پرونده‌های واقعی مردم فقیر و اقشار محروم جامعه آشنا شده و حس مسئولیت‌پذیری آن‌ها نسبت به اجتماع برانگیخته می‌شود. به طور کلی شیوه آموزش کلینیکی حقوق شش نقطه قوت برای دانشجویان دارد؛ نخست، تمرکز این روش آموزشی بیشتر بر دانشجو و یادگیری است تا استاد و تدریس. دوم، این شیوه سنگ محک خوبی برای قواعد تئوری علم حقوق است. سوم، این متد آموزشی به همان اندازه که بر محتوای قواعد متمرکز می‌شود بر شیوه‌های حل و فصل اختلافات تمرکز دارد و دانشجویان می‌آموزند بسیاری از اختلافات حقوقی با سازش و مصالحه قابل حل است. چهارم، این شیوه به دانشجو اجازه می‌دهد از خلاقیت خود برای ابداع راه حل‌های جدید فرای آن چه در قواعد حقوقی مطرح است بهره گیرد (Parker-Gwin & Mabry, 1998: 2, 276) که این خود موجب ارتقای حس اعتماد به نفس در او می‌شود. پنجم، در این روش آموزشی دانشجو علاوه بر ارتقای توانایی‌های شناختی خویش، پاسخ‌های احساسی موثر خود به مسائلی که درگیر است را نیز توسعه می‌دهد و میزان تاثیر این پاسخ‌های احساسی را در حل آن مسائل درمی‌یابد (Andreopoulos & Claude, 1997: 263-265). ششم این که آموزش کلینیکی حقوق به دانشجویان کمک می‌کند علاوه بر یادگیری نقاط قوت و ضعف خویش به عنوان وکیل، با اندیشه‌ها و نهادهای حقوقی در تعامل میان وکلا و موکلان‌شان نیز آشنا شوند (Farley, Jaszi, Philips, Sarnoff & Shalleck, 2008: 747).

آموزش حقوق بشر به روش کلینیکی از دو طریق انجام می‌شود.

الف) کمک به مشاوره در پرونده‌های واقعی حقوق بشری و انجام کار تحقیقی روی این پرونده‌ها تحت نظارت اساتید کلینیکی و وکلا و مشاوران حقوقی





ب) شرکت در برنامه حقوق خیابانی^۱ یا به تعبیر بومی شده حقوق برای همگان؛ این برنامه مربوط به توسعه آن بخش از حقوق است که عموم مردم در زندگی روزمره با آن سر و کار دارند و به همین جهت دانستن این حقوق برای هر شخصی لازم است (McQuoid-Mason, 2006: 3 & Grimes, 2004: 4). در این برنامه دانشجویان کلینیکی به صورت گروهی در بخش‌های مختلف جامعه همچون مساجد، مدارس، کارگاه‌ها و کارخانه‌ها و میان اقشار و گروه‌های مختلف جامعه به ویژه محرومین حاضر شده و با پرسش از مردم سعی می‌کنند مشکلات حقوقی و حقوق بشری آن‌ها را دریافته و راه حل مناسب ارائه دهند. این شیوه آموزش دانشجویان را با مسایل حقوق بشری واقعی جامعه آشنا می‌کند و به آن‌ها امکان می‌دهد با انجام کار گروهی تحت نظارت اساتید و وکلا بهترین و کاربردی‌ترین راه حل را پیشنهاد دهند.

بنابراین دانشجویان در تمام مراحل همزمان با یادگیری حقوق بشر به صورت تعاملی، مشارکتی و کاربردی، خدمات حقوقی رایگان نیز ارائه می‌دهند و به ارتقای حقوق بشر و توسعه عدالت اجتماعی کمک می‌کنند.

۲-۲. آموزش وکلا و اساتید حقوق

کلینیک‌های حقوقی ثمرات آموزشی قابل توجهی برای وکلا و اساتید حقوق دارد. هم‌نشینی وکلا با اساتید دانشگاه و حضور مستمر در یک محیط علمی دانشگاهی موجب روزآمد شدن دانسته‌های حقوقی آن‌ها و آشنایی با نظریات جدید حقوقی می‌شود (See Johnson, 1998: 2, 13). به علاوه حضور در کلینیک‌های حقوقی که نهادهای خیرخواهانه دانشگاهی هستند حس مسئولیت‌پذیری وکلا در قبال محرومین جامعه را برمی‌انگیزد و به تدریج این اندیشه را در آن‌ها نهادینه می‌کند که گسترش حداقل‌های حقوق بشری، تعهد هر فرد انسانی در قبال جامعه خویش است.

از سوی دیگر، حضور اساتید حقوق در کلینیک‌ها نیز آن‌ها را با مسایل به روز و کاربردی حقوقی و به طور خاص حقوق بشری در جامعه آشنا نموده و فرصتی برای آن‌ها ایجاد می‌کند تا آثار اندیشه‌های حقوقی را در بستر اجتماع دریابند و به نوعی بازتاب آن‌چه در کلاس درس به صورت تئوری بیان کرده‌اند در عالم واقع مشاهده کرده و بدین ترتیب فرصت





ارزیابی قواعد حقوقی را به دست آورند که این خود کارآمدی علم در جامعه را به ارمغان خواهد آورد. از سوی دیگر مشاهده مسایل و خلأهای حقوقی می‌تواند اندیشه‌ها و قواعد حقوقی نوینی را در ذهن اساتید دانشگاهی خلق کند و در نتیجه حقوق بشر از لحاظ علمی توسعه یابد.

۲-۳. آموزش گروه‌های حرفه‌ای

بسیاری از مشکلات حقوق بشری مربوط به وضعیت‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی افشار مختلف جامعه است که آموزش نیز بخشی از این وضعیت‌ها می‌باشد (Angus, 2005: 43, 2). کلینیک‌های حقوقی دانشگاهی می‌توانند دانش حقوق بشری گروه‌های حرفه‌ای در جامعه همچون معلمان و مدیران مدارس، کارمندان، قضات و غیره را متناسب با نیازها و استعدادهایشان ارتقا دهند (See Pekari & Schmiedl, 2006: 380-381) چه آن‌که هر گروه ابزار آموزش حقوق بشر خاص خود را می‌طلبد. تجربه یک دوره آموزشی در کلینیک حقوقی دانشگاه مفید اثرگذاری کلینیک‌های حقوقی دانشگاهی به عنوان نهادهای علمی و مردمی بر اندیشه مدیران دبیرستان‌های شهر قم را به خوبی نشان می‌دهد. این دوره آموزشی که پیرامون حقوق کودک با تمرکز بر تنبیه بدنی کودکان در محیط‌های آموزشی بود برای ۴۵ نفر از مدیران دبیرستان‌های شهر قم برگزار شد. ابتدا دیدگاه شرکت‌کنندگان در زمینه جواز تنبیه بدنی کودک در محیط‌های آموزشی پرسیده شد که بیش از ۶۰ درصد آن‌ها استفاده از تنبیه بدنی علیه دانش‌آموزان را در بعضی موارد روا می‌دانستند. در این دوره آموزه‌های اسلامی و دیدگاه‌های حقوق بشری و همچنین برخی پرونده‌های واقعی در این زمینه تبیین شد و در پایان بار دیگر سؤال مزبور از آن‌ها پرسیده شد. جالب آن‌که ۱۰۰ درصد شرکت‌کنندگان با تنبیه بدنی کودکان در محیط‌های آموزشی و در همه موارد مخالف بوده و آن را ممنوع دانستند (Meghdadi & Erfani Nasab, 2011: 15, 3016-3017).

۳. کارکردهای آموزشی مساجد در جوامع مسلمان به ویژه جامعه ایرانی

مساجد از همان آغاز شکل‌گیری در زمان پیامبر اکرم (ص) دارای بعد آموزشی نیز بوده‌اند، پیامبر (ص) همواره در مسجد به بیان احکام الهی و معارف اسلامی می‌پرداختند. در مسجد مدینه حلقه‌های درس با حضور رسول گرامی اسلام (ص) تشکیل می‌شد و مسائل





حقوقی، فقهی، نظامی و علمی با هدایت و رهبری ایشان بحث و بررسی می‌شد به طوری که شالوده تعلیمات علمی در زمان حیات پیامبر(ص) ریخته شد. (غنیمه، ۱۳۷۲: ۱۷) علاوه بر این شاخه‌های مختلف علوم اسلامی به ویژه قرآن، احادیث، احکام، اخلاق، علم کلام و فقه در مساجد آموزش داده می‌شد. پس از رحلت پیامبر(ص) و گسترش سرزمین‌های اسلامی، مساجد در تمام قلمرو خلافت اسلامی به طور چشم‌گیری گسترش یافتند و کارکرد آموزشی آنها مانند دیگر کارکردها رشد و توسعه فراوانی پیدا کرد، در مرحله نخست آموزش در مساجد بر محور قرائت و مفاهیم قرآن و تعلیم احکام و فرایض دینی استوار بوده، اما آموزش و تعلیم آنها نیاز به آشنایی با زبان و ادبیات عربی داشت که این نیاز زمینه‌ساز گسترش سوادآموزی و سپس آموزش صرف و نحو عربی در مساجد بود و به دنبال آن بوجود آمدن مسایل جدید در جوامع اسلامی سبب شد که علمای اسلامی به سمت استنباط‌های فقهی جدید از آیات قرآن و احادیث روی آوردند و در نتیجه تعلیم و آموزش فقه و حدیث نیز در مساجد آغاز شد و به دنبال آن علومى مثل رجال، کلام، تفسیر و ... نیز آموزش داده می‌شدند (غنیمه، ۱۳۷۲: ۷۲).

فاصله زمانی آغاز سده دوم تا پایان سده سوم هجری را می‌توان از درخشان‌ترین دوره‌های تعلیمات مسجدی یا به عبارت دیگر، عصر فعالیت آموزشی دانشگاه‌های عمومی دانست، زیرا دستاوردهای مسلمانان در مسائل گوناگون علمی و فکری در این دوره از تاریخ اسلام و نیز آن قسمت از پیشرفت‌های اقتصادی، اجتماعی، عمرانی، که پس از استیلای عباسیان به وجود آمد تأثیر قابل ملاحظه‌ای در ایجاد هوشیاری و جنبش علمی در مساجد گردید. توجه دقیق به اجتماعات و تشکیل جلسات علمی در مساجد بزرگ و مشهور آن زمان در مجامع ممتاز و مناسبی که با شرکت متفکران و دست‌اندرکاران مسائل تعلیماتی در آن مراکز به وجود آمد، همه دلایل کافی و آشکاری بر میزان پویایی و باروری فکری و علمی قابل ملاحظه در آن دوره از تاریخ اسلام است (غنیمه، ۱۳۷۲: ۵۸).

به این ترتیب آموزش علوم اسلامی آن چنان در مسجد گسترش یافت که پس از مدتی علاوه بر علوم دینی، دانش‌هایی مثل فلسفه، ریاضیات، نجوم و جغرافیا، تاریخ و ... در زمره دروس آموزشی مساجد قرار گرفت.





در کنار نقش ثابت آموزشی مساجد که مسجد مانند یک نهاد آموزشی محل تشکیل کلاس درس و بحث علمی بوده است، مساجد به صورت پراکنده و غیر ثابت و غیر برنامه ریزی شده و از طریق مراجعه پراکنده مردم به امام جماعت یا مدرسان علوم دینی در مسجد نیز نقشی آموزشی ایفا کرده است. در خصوص بعد آموزشی مساجد می توان گفت که مسجد در گذشته همان نقشی را داشت که دانشگاه ها و مؤسسات آموزش عالی کنونی دارند و قبل از شکل گیری و توسعه مراکز علمی و تحقیقاتی دینی و دانشگاه ها کار تحقیق و مطالعه در علوم دینی در مساجد انجام می شد. حتی امروزه شاهد نقش پررنگ مساجد در این زمینه هستیم و همه ساله هزاران استاد از این مساجد و مؤسسات وابسته به آنها خارج می شوند و به نشر اسلام و علوم اسلامی می پردازند.

در ایران اسلامی نیز مساجد دانشگاهی فراوانی به چشم می خورد که ایرانیان از آنها استفاده آموزشی فراوانی می کردند، در قرن اول هجری، مسجد آدینه سیستان ساخته شد و حسن بصری در آن به آموزش پرداخت (حجتی، ۱۳۵۷: ۲۸) در اواخر همان قرن مسجد جامع بخارا پا گرفت و حلقه های درس در آن تشکیل می شد و در قرن های بعد نمونه این مساجد در نیشابور، همدان، کرمان، یزد، قزوین، شیراز و اصفهان تأسیس شد و مورد استفاده عالمان قرار گرفت (حجتی، ۱۳۵۷: ۲۸). معمولاً در مساجد کوچک تر کودکان آموزش داده می شدند و مساجد بزرگ تر، گاهی به اندازه دانشگاه های اروپایی دارای ارزش و اهمیت بودند و فعالیت های آموزشی و فرهنگی بخش بزرگی از کارکردهای مسجد را تشکیل می دادند. در نهایت با توجه به نقش مهم مساجد در طول تاریخ اسلام و همچنین کشور ایران در زمینه آموزش و پرورش، می توان این نهاد را یکی از ظرفیت های ارزشمند جوامع اسلامی و جامعه ایرانی برای آموزش حقوق بشر به تمام اقشار جامعه به شمار آورد و با برنامه ریزی و مدیریت مناسب، می توان از این ظرفیت برای ارتقای سطح آگاهی های حقوق بشری عموم مردم بهره جست.

۴. کلینیک های حقوقی مسجد محور

چنان که بیان شد مساجد علاوه بر اصلی ترین نقش خود که همان مکان عبادت و راز و نیاز با خداوند است، دارای نقش های بسیار مهم و ارزشمندی هستند که از جمله آنها کارکرد





آموزشی مساجد می‌باشد و می‌توان گفت که یکی از برجسته‌ترین کارکردهای مساجد پس از عبادتگاه بودن، نقش آموزشی و تعلیمی آنها است و می‌توان از این ظرفیت آموزش در زمینه‌های مختلف بهره‌جست و بدون صرف هیچ هزینه‌ای از مساجد به عنوان یک مکان آموزشی مناسب و در دسترس برای عموم مردم استفاده کرد. محبوبیت و جایگاه ویژه مساجد در میان مسلمانان نیز زمینه حضور پرشور اقشار مختلف در مساجد را فراهم نموده است و از سوی دیگر وجود مساجد متعدد و دسترسی آسان مردم به این نهاد نیز یکی دیگر از ویژگی‌هایی است که می‌تواند در نقش آفرینی مساجد در امر آموزش بسیار مؤثر باشد. از سوی دیگر کلینیک‌های حقوقی دانشگاهی با وجود مزایای بسیاری که دارند نتوانسته‌اند گسترش چشم‌گیری در جهان به ویژه در کشورهای در حال توسعه و توسعه نیافته داشته باشند که مهمترین مانع را می‌توان فقدان بودجه مناسب دانست. همچنین سختی دسترسی محرومین به کلینیک‌های حقوقی دانشگاهی دومین معضلی است که دامن این نهاد حقوقی خیرخواهانه را گرفته است. به علاوه، جوامع مسلمان از جمله جامعه ایرانی با چالش مضاعف تقابل گفتمان دین و حقوق بشر و در نتیجه مقبولیت کم‌تر حقوق بشر در کل مواجه هستند. از این رو لازم است در مدل آموزش کلینیکی حقوق بشر تغییراتی در جهت رفع این چالش‌ها صورت گیرد.

با توجه به آن‌چه از کارکردهای مساجد بیان شد می‌توان با تاسیس کلینیک‌های حقوقی در مساجد، آن‌ها را به عنوان مکان مناسبی برای آموزش کلینیکی حقوق بشر در نظر گرفت چرا که بسیاری از شرایط مربوط به آموزش حقوق بشر را دارا هستند از جمله قابلیت دسترسی برای تمامی اقشار جامعه، ایجاد فرصت برابر برای همه بدون هیچ گونه تبعیض، محیط یادگیری مشارکتی، کم هزینه بودن و پایداری آموزش. از این رو، مسجد یک محیط فرهنگی - ارتباطی مناسب برای آموزش حقوق بشر و بومی سازی آموزه‌های حقوق بشری در جوامع اسلامی و کشور ایران می‌باشد که تمامی شهروندان می‌توانند به راحتی در آن حضور یابند و آموزش ببینند. در ایران، گام‌هایی در این زمینه برداشته شده است؛ در نهم تیر ماه ۱۳۹۵ تفاهم‌نامه حقوق شهروندی میان معاون حقوق بشر و امور بین الملل وزیر دادگستری و دبیر ستاد عالی کانون‌های فرهنگی و هنری مساجد به امضاء رسید. طبق گزارش وزارت دادگستری: «با توجه به نقش ویژه کانون‌های فرهنگی و هنری مساجد در ترویج





اخلاق و حقوق شهروندی و همچنین این مطلب که مساجد پایگاه انقلاب اسلامی و تثبیت و تحکیم نظام جمهوری اسلامی بوده‌اند، کلینیک‌های اخلاق و حقوق شهروندی در مساجد راه اندازی می‌شود و در این کلینیک‌ها به مدیریت آسیب‌های اجتماعی و مسائل و مشکلات مردم پرداخته می‌شود، آموزش اخلاق و حقوق شهروندی، مشاوره‌های حقوقی و روان‌شناختی و مدیریت آسیب‌های اجتماعی از وظایف این کلینیک‌ها است که در مساجد راه اندازی می‌شود. در این سازمان مردم نهاد، مشاوران حقوقی، روان‌شناختی و مددکاران اجتماعی به همراه روحانیون می‌توانند فعالیت کنند. نقش مساجد در آموزش و ترویج اخلاق و حقوق شهروندی و مدیریت آسیب‌های اجتماعی برجسته است و باید از این ظرفیت در این کلینیک‌ها به نحو احسن استفاده شود.^۱

به نظر می‌رسد در جوامع مسلمان تشکیل و توسعه کلینیک‌های حقوقی مسجد محور که در واقع شعبه‌ای از کلینیک‌های حقوقی دانشگاهی و با همان شیوه آموزشی در مساجد هستند از مزایایی برخوردار باشند که موانع مزبور پیش‌روی کلینیک‌های حقوقی دانشگاهی را مرتفع می‌کند.

۴-۱. تأمین بودجه ارایه خدمات حقوقی

دانشگاه‌ها معمولاً برای تشکیل و اداره کلینیک‌های حقوقی بودجه لازم را ندارند. در کشورهایی چون انگلستان و استرالیا کلینیک‌های حقوقی دانشگاهی غالباً به کمک بودجه‌های دولتی اداره می‌شوند. در ایران تنها دانشگاه‌های شهید بهشتی و مفید البته با حمایت مالی ابتدایی برنامه توسعه و پیشرفت ملل متحد توانستند کلینیک حقوقی دانشگاهی در شهرهای تهران و قم دایر کنند. توسعه کلینیک‌های مسجد محور به دلیل استفاده از امکانات مساجد میزان هزینه‌ها را کاهش می‌دهد. به علاوه این کلینیک‌ها چون در قالب و مکانی مذهبی شکل گرفته‌اند بهتر می‌توانند از کمک‌های خیرین و حتی موقوفات بهره‌برند.



^۱. تفاهم‌نامه حقوق شهروندی وزارت دادگستری و کانون‌های مساجد امضا شد، ۹ تیرماه ۱۳۹۵، وزارت دادگستری، قابل مشاهده در وبگاه <http://www.justice.ir>، ۲۵ شهریور ۱۳۹۵.

^۲. United Nations Development Program (UNDP)

۴ - ۲. تسهیل دسترسی مردم و محرومین

معضل دیگر کلینیک‌های حقوقی دانشگاهی، سختی دسترسی به آن‌ها به ویژه برای طبقه محروم جامعه است که از دو بعد قابل بررسی است. نخست آن که کلینیک‌های مزبور غالباً در دانشگاه‌ها و در کنار دانشکده‌های حقوق تأسیس می‌شوند و این اگر چه دسترسی دانشجویان و اساتید را آسان می‌نماید لیکن دسترسی برای مردم و به ویژه محرومین که در بخش‌های فقیرنشین شهر زندگی می‌کنند - جایی که عمدتاً دانشگاه‌ها آن‌جا ساخته نشده و احتمالاً فاصله زیادی هم از آن‌جا دارند - سخت خواهد بود. بعد دوم به مراجعه کنندگان که بیشتر از طبقات متوسط و پایین جامعه هستند باز می‌گردد. همچنین حضور محرومین که غالباً سطح سواد پایینی دارند یا بی‌سواد هستند در محیط‌های علمی و دانشگاهی و تعامل آن‌ها با اساتید و فرهیختگان مشکل است. مساجد از این جهات در نقطه مقابل قرار دارند چه آن که در سطح شهر پراکنده بوده و چه بسا در نقاط محروم شهر گستردگی بیشتری داشته باشند. همچنین مساجد نه تنها به عنوان عبادتگاه مسلمانان بلکه به عنوان محل‌هایی برای امور سیاسی، اجتماعی و قضایی اسلامی در طول تاریخ اسلام در نظر گرفته می‌شدند که این سابقه تاریخی در ذهن همه اقشار مسلمان (و حتی غیرمسلمان)، موجب می‌شود قرابت و نزدیکی و اعتماد بیشتری به کلینیک‌های حقوقی دایر در این اماکن مقدّس ایجاد گردد.

۴ - ۳. کاهش تعارض گفتمان دین و حقوق بشر در جوامع مسلمان

چالش دیگر پیش‌روی آموزش کلینیکی حقوق بشر که اختصاص به جوامع مسلمان دارد، تعارض برخی آموزه‌های دینی با حقوق بشر است که به تدریج و با نزدیکی روزافزون حقوق بشر به اندیشه‌های اومانیسیم و لیبرالیسم منجر به تعارض گفتمان دین و حقوق بشر شده است. جوامع اسلامی از آموزه‌های دینی بسیاری بهره می‌برند که حق‌های بشری در ارتباطات فرد انسانی با هم‌نوعان خود و محیط پیرامون خود را متذکر می‌شود. این آموزه‌ها در جامعه ایرانی که مبتنی بر آموزه‌های امامان معصوم (ع) است دو چندان می‌باشد. از جمله این آموزه‌ها می‌توان به رابطه انسان با هم‌نوعان و رابطه انسان با محیط پیرامون اشاره کرد. در زمینه رابطه انسان با هم‌نوعان آموزه‌های بسیاری در اسلام وجود دارد که مبنای آن‌ها را بایستی در نگرش اسلامی به کرامت انسانی جستجو کرد، در اعلامیه‌ی حقوق بشر اسلامی قاهره نیز





برخی از مواد بر اساس همین مبنا تدوین شده است. در حوزه رابطه انسان با محیط پیرامون خویش نیز برخی آموزه‌های دینی در زمینه حفظ محیط زیست و حمایت از حق بر محیط زیست تبیین می‌شود. این آموزه‌ها، ظرفیت جوامع اسلامی و به طور خاص جامعه ایرانی برای تأمین محتوای آموزش حقوق بشر به حساب می‌آید چه آن که تلاش برای آموزش و تحقق آن‌ها به خوبی می‌تواند طیف وسیعی از حق‌های بشری مذکور در اسناد بین‌المللی را در جوامع مسلمان بگستراند و تحولات چشم‌گیری در ارتقای استاندارد های حقوق بشری در این جوامع به وجود آورد. روحانیون به عنوان رهبران مذهبی تأثیر گذار نقش محوری در مساجد دارند، چرا که ایشان توانسته‌اند در طول تاریخ، اعتماد مردم را جلب نمایند و به طور سنتی، در استنباط، آموزش و ترویج آموزه‌های دینی و همچنین فرهنگ‌سازی، نقش اساسی و رهبری در جوامع مسلمان داشته باشند.

آموزش حقوق بشر در کلینیک‌های حقوقی مسجد محور، طرح پرونده‌های واقعی حقوق بشری و تعامل و کلا، اساتید و دانشجویان حقوق با روحانیون و اقشار مذهبی به تدریج می‌تواند از تعارض گفتمان دین و حقوق بشر بکاهد به این معنا که دفع حداکثری حقوق بشر تبدیل به پر رنگ شدن آموزه‌های دینی حقوق بشری و توسعه جنبه‌های مشترک دین و حقوق بشر گردد. از سوی دیگر، این قابلیت وجود دارد که آشنایی روحانیون با حقوق بشر و آثار آن در جامعه تغییر و اصلاح در برخی برداشت‌های فقهی را نیز به دنبال داشته باشد (Erfani Nasab & Meghdadi, 2012, 311: 277).

۵. سازگار اجرایی لازم برای تأسیس و تشکیل کلینیک‌های حقوقی مسجد محور

برای تأسیس کلینیک‌های حقوقی مسجد محور در جامعه ایرانی، در گام نخست باید از نهادهای مختلف مثل سازمان بسیج حقوقدانان، سازمان اوقاف و امور خیریه و همچنین متولیان و هیات امنای مساجد دعوت به عمل آید که در تاسیس و تشکیل کلینیک‌های حقوقی مسجد محور مشارکت نمایند. سازمان بسیج حقوقدانان با توجه به وجود پایگاه‌های بسیج در مساجد، می‌تواند در تأسیس این کلینیک‌ها و معرفی اساتید حقوق، قضات، و کلا و مشاوران بسیجی به این کلینیک‌ها فعالیت کند و در هر زمان و بر اساس اعلام نیاز از سوی





کلینیک‌های مزبور، بسته به نوع نیاز هر منطقه، با اعزام حقوقدانان منتخب به مساجد در جهت رفع مشکلات حقوقی مراجعین و ارایه مشاوره به آن‌ها گام بردارد. نکته شایان ذکر این‌که دانشکده‌های حقوق در این زمینه باید فعال عمل کنند چه آن‌که روشنگری و رایزنی‌های لازم با نهادها و اشخاص مزبور در بدو امر نیازمند مدیریت و رهبری است که این مهم را دانشکده‌های حقوق به ویژه اساتید آشنا با کلینیک‌های حقوقی و روش آموزش کلینیکی حقوق می‌توانند عهده‌دار شوند. در این مسیر، برگزاری جلسات تخصصی با سازمان بسیج حقوقدانان، ستاد اقامه نماز و مرکز رسیدگی به امور مساجد به منظور هماهنگ‌سازی میان نهادهای درگیر و همچنین آشناسازی روحانیون و ائمه جماعات با این روش آموزشی و تبیین مزایای آن باید در دستور کار دانشکده‌های حقوق قرار گیرد. به بیان روشن‌تر، دانشکده‌های حقوق لازم است به این مهم توجه یابند که وظیفه آن‌ها فقط برگزاری کلاس و آموزش دانشجویان در حیطه دانشکده نیست بلکه وظیفه مهم دیگری دارند و آن تلاش برای توسعه دانش حقوقی اقشار مختلف جامعه و تحقق حقوق و عدالت در سطوح اجتماع است.

نتیجه

کلینیک‌های حقوقی دانشگاهی نقش موثری در گسترش و بومی‌سازی حقوق بشر در جوامع ایفا می‌کنند. این کلینیک‌ها از آموزش کلینیکی حقوق بشر بهره می‌برند که شیوه‌ای انعطاف‌پذیر، مشارکتی، تعاملی، پایدار و کم هزینه برای آموزش است و سطوح و اقشار مختلف جامعه را پوشش می‌دهد و از این جهات با معیارهای معرفی شده در اسناد بین‌المللی مربوط به آموزش حقوق بشر تطابق داشته و به خوبی می‌تواند اهداف مد نظر این اسناد را تحقق بخشد و در نهایت به توسعه عدالت اجتماعی کمک کند. با این حال کلینیک‌های حقوقی در سراسر جهان با مشکلاتی مواجه هستند که مهم‌ترین آن‌ها فقدان بودجه کافی و محدودیت دسترسی برای محرومین است. در جوامع مسلمان از جمله جامعه ایرانی چالش دیگر پیش‌روی این کلینیک‌ها و اساساً آموزش حقوق بشر تعارض گفتمان دین و حقوق بشر است که در مواردی به تقابل و جبهه‌گیری منجر شده است.





از این رو مقاله پیش رو برای رفع چالش‌ها و معضلات مهم آموزش کلینیکی حقوق در بستر کلینیک‌های حقوقی دانشگاهی، پیشنهاد تشکیل و توسعه کلینیک‌های حقوقی مسجد محور در جوامع مسلمان از جمله جامعه ایرانی می‌دهد. در پرتوی این کلینیک‌ها بهره‌مندی از فضا و امکانات مسجد و همچنین قابلیت بیشتر برای برخورداری از کمک‌های خیرین و واقفین، کاهش هزینه‌ها و افزایش دسترسی محرومین به آموزش‌های لازم حقوق بشری فراهم می‌گردد. در نهایت مراجعه پرونده‌های واقعی حقوق بشری به این کلینیک‌ها و تعامل اساتید حقوق، وکلا و دانشجویان با اقشار مذهبی و به خصوص روحانیون که نقش محوری در مساجد ایفا می‌کنند می‌تواند از جبهه‌گیری‌ها در مقابل حقوق بشر بکاهد و پررنگ شدن آموزه‌های حقوق بشری دین و حتی بازپژوهی در برخی برداشت‌های دینی که در تعارض احتمالی با حقوق بشر است را به ارمغان آورد.

منابع

۱. آیتی، ابراهیم، ۱۳۷۸ش، تاریخ پیامبر اکرم(ص)، تهران، موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
۲. امیر ارجمند، اردشیر؛ بهار و تابستان ۱۳۷۸ش، آموزش حقوق بشر، تحقیقات حقوقی، ش ۲۵-۲۶.
۳. انصاری، باقر، ۱۳۸۸ش، آموزش حقوق بشر، تهران، مجد، چ ۱.
۴. بابانیا، محمد باقر، ۱۳۸۷ش، در سایه سار مساجد، ماهنامه کوثر، ش ۳۲.
۵. تفاهم‌نامه حقوق شهروندی وزارت دادگستری و کانون‌های مساجد، (۹ تیرماه ۱۳۹۵)، وزارت دادگستری، رویت شده در سایت: <http://www.justice.ir>، ۲۵ شهریور ۱۳۹۵.
۶. حاجتی، محمد باقر؛ ۱۳۵۷ش، اسلام و تعلیم و تربیت، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۷. ضرابی، عبدالرضا، ۱۳۷۹ش، نقش و عملکرد مسجد در تربیت، معرفت، ش ۳۳.
۸. غنیمه، عبدالرحیم، ۱۳۷۲ش، دانشگاه‌های بزرگ اسلامی، ترجمه نور الله کسایی، تهران، دانشگاه تهران.





۹. مورژنون، ژاک، ۱۳۸۰ش، حقوق بشر، ترجمه احمد نقیب‌زاده، تهران، انتشارات

دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، چ ۱.

10. Amnesty International, (2005), Human Rights Education: Building a Global Culture of Human Rights; Circular 25. Developed for 27th International Council Meeting.
11. Andreopoulos, G. J. & Claude, R. P., (1997), Human Rights Education for the Twenty-first Century, Pennsylvania studies in human rights; Pennsylvania: University of Pennsylvania Press.
12. Angus, L. (2005), New Leadership and the Possibility of Educational Reform. In J. Smith (Eds.), Critical Perspectives on Educational Leadership, New York & London: Routledge Falmer Taylor & Francis Group.
13. Barnhizer, D, (1990), The University Ideal and Clinical Education. New York Law School Law Review, 35, 87.
14. Barry M., Dubin J. C. & Joy, P. A, (2000-2001), Clinical Legal Education for This Millenium: The Third Wave. Clinical Law Review, 7, 2.
15. Benedek, W, (2006), Understanding Human Rights Manual on Human Rights Education, Wien - Graz: Neuer Wissenschaftlicher Verlag, 21.
16. Brayne, H., Duncan, N. & Grimes, R, (1998), Clinical Legal Education: Active Learning in Your Law School. London: Blackstone Press Ltd.
17. Erfani Nasab, A. & Meghdadi, M. M, (2012), Muslim Clerics and Leadership in Human Rights Education in Muslim Societies. Procedia Social and Behavioural Sciences Journal, 31.
18. Farley, C. H, Jaszi, P, Philips, V, Sarnoff, J. & Shalleck, A. (2008), Clinical Legal Education and the Public Interest in Intellectual Property Law. New York Law School, Clinical Research Institute, Research Paper Series No. 08/09 #2.
19. Garner, B. A, (1990), Black's Law Dictionary, West Thomson Publishing Co, 3rd ed.
20. Garvin, David A, (2003), "Making the Case." Harvard Magazine,
21. <http://harvardmagazine.com/2003/09/making-the-case-html>.
22. Grimes, R, (2004), Legal Literacy, Community Empowerment and Law Schools Some Lessons from a Working Model in the UK. Legal Education Digest, 4. URL: <http://www.austlii.edu.au/au/journals/LegEdDig/2004/4.html>.
23. Johnson, N. (1998), Sandwich Placements in Law: Academic Tourism or a Form of Clinical Legal Education?, Web Jornal of Current Legal Issues, 2, 13.
24. Maisel, P. (2007), Expanding and Sustaining Clinical Legal Education in Developing Countries: What We Can Learn from South Africa. Fordham International Law Journal, 2.

25. McQuoid-Mason, D. (2006), Street Law Education for South African School Children.. Lansdowne: Juta & Co, Ltd, 7-5, 3rd ed.
26. Meghdadi, M. M. & Erfani Nasab, A., (2011), The Role of Legal Clinics of Law Schools in Human Rights Education; Mofid University Legal Clinic Experience. *Procedia Social and Behavioural Sciences Journal*, 15.
27. OHCHR & UNESCO. (2006), Plane of Action; World Programme for human Rights Education- First Phase. New York and Geneva: UNESCO in Paris.
28. OHCHR. (2000), Human Rights Training; A Manual on Human Rights Training Methodology. PROFESSIONAL TRAINING SERIES No. 6, 2.
29. Parker-Gwin, R. & Mabry, J. B. (1998), Service Learning as Pedagogy and Civil Education: Comparing Outcomes for Three Models, *Teaching Sociology*, 2.
30. Pekari, C. & Schmiedl, B. General Remarks on Human Rights Education Methodology. In W. Benedek (Eds.). (2006), *Understanding Human Rights Manual on Human Rights Education* (pp. 380-390). Wien - Graz: Neuer Wissenschaftlicher Verlag,.
31. Quigley, F. (1995), Seizing the Disorienting Moment: Adult Learning and the Teaching of Social Justice in Law School Clinics. *Clinical Law Review*, 2, 37.
32. Reardon, B. (1995), *Educating for Human Dignity*. Philadelphia: University of Pennsylvania Press, 4, 12.
33. Steenhuisen, E. (2006), Goals of Clinical Legal Education. In W. De Klerk (Eds.), *Clinical Law in South Africa*. (pp. 263-280). LexisNexis Butterworth, South Africa.
34. Tibbitts, F. (1996), On Human Dignity: A Renewed Call for Human Rights Education. *Social Education*, 60 (7), 46.
35. Javan Arasteh, Hossein. 1-2 December (2014), "Masjid and its Management: Issues and Challenges". Proceeding of the International Conference on Masjid, Zakat and Waqf, Kuala Lumpur, MALAYSIA.

